

تجاوز یک پیشوای دینی بزرگ دخترده ساله

نوشته : س. آتش

یکی از رسانه های سایبری افغانستان گزارش می‌دهد که یک ملامام در قندوز شاگرد دهساله اش را مورد تجاوز جنسی قرار داده است. بقول این رسانه " این رویداد در منطقه کوهی شهر قندوز رخ داده است. این کودک در بیمارستان دوسد بستر شهیددکتر عزیزالله صفر شهر قندوز بستری است، کودک ده ساله ای که به گفته ی خودش، ملامام مسجدی که در آن درس می‌خوانده، اورا به زور به یک باغ برده، دست و پایش را بسته و وی را مورد آزار و اذیت قرار داده است.

در همین حال مادر این دختر می‌گوید: کودکش را به خاطر آموزش علوم دینی فرستاده که چنین اتفاقی افتاده است. او از دولت می‌خواهد که عامل این کار را مجازات کند. از سوی هم دکتر عبدالقدوس می‌خیل، رییس بیمارستان حوزوی شهیددکتر عزیزالله صفر در قندوز می‌گوید: وضعیت بهداشتی این کودک خوب است."

در این جادومسئله مطرح است: نخست مسئله تجاوز به عنف یک انسان و ثانیاً مسئله تجاوز بزرگ طفل. در حقیقت امر ملای امام مرتکب دوجنایت شده است که هر دوسه او را سنگین ترین مجازات می‌باشد. هر دو مسئله را اندکی بیشتر صحبت کنیم:

دین، ایدئولوژی و طرز دید به جهان در جامعه فئودالی و نیمه فئودالی - نیمه بردگی است و ملا، مولوی، مجتهد مبلغین، پیشوایان و ایدئولوگ های این جهان بینی می‌باشند و بهمین دلیل ملارا "عالم دین" یعنی کسی که از دین آگاه است، می‌گویند. آدم نمی‌تواند بگوید "کسی که آگاه است بهنگام ارتکاب به جنایت، نا آگاه بوده یعنی در همان لحظات یکمرتبه نا آگاه شده" و دست به جنایت مرکب زده است. بهنگام ارتکاب به جنایت ملامام همانقدر از دین و آئینش آگاهی داشته که بهنگام فعالیت های دیگر زندگی اش آگاهی دارد.

از جانب دیگر میدانیم که هر ایدئولوژی یک سلسله معیار های اخلاقی و یک تاریخ دارد. ایدئولوژی و اخلاقیات این ملامام دین است. در اسلام مقاربت جنسی با دختر 9 ساله ممنوع نیست. از جانب دیگر ایدئولوژی ها و اندیشه هار انمیتوان از زمان وزیر ساخت جامعه جداساخت. اسلام مانند ادیان دیگر؛ از این دیدگاه در دوران جاهلیت فئودالی و نیمه بردگی - نیمه فئودالی فورموله گردیده، لذات تجاوز جنسی بر پسران و دختران زیر سن نه از نظر قانونی (شرع) ممنوع و قابل مجازات است نه

از نظر اخلاقیات. مطالعه تاریخ اسلام نشان میدهد که عایشه بنت ابوبکر هنوز 9 ساله بود که به زنی محمد پیامبر اسلام در آمد و فاطمه دختر محمد به سن 11 سالگی زن علی ابن ابی طالب شد. در ذهن یک ملا، مولوی، حجت الاسلام، مجتهد و هم چنین روحانیون مسیحی و یهودی هیچ ممانعت اعتقادی و دینی علیه پیدوفیلیزم Paedophilism (تجاوز جنسی بر اطفال) وجود ندارد. کشیش های مسیحی کلیسای کاتولیک هزاران طفل را در سراسر دنیا مورد تجاوز قرار داده اند که این سومین پاپ اعظم مسیحیان است که برای معذرت طلبی به اطراف و اکناف جهان سفر میکند. در حال حاضر قانونگذاران ممالک اسلامی بخاطر بقای سیطره و سلطه طبقاتی شان یکسلسله قوانین را آورده اند که در اساس در صدر اسلام وجود نداشتند. مثلاً در ایران یک سری از مطالب مربوط به دوران بورژوازی که با منافع طبقات حاکمه ایران بیشتر خوانائی دارند و قوانین اساسی، قانون جزا، قانون مدیریت و قانون زندگی مدنی ساخته اند که در زندگی صدر اسلام قابل تصور نبودند.

در ممالک سرمایه داری یا بخشی از جهان که اندکی انسانی تر از جامعه فئودالی و بردگی ممالک آسیای جنوبی، شرق میانه و افریقا است، جنایتی با این محتوا و تیره گی، دوبار قابل مجازات میباشد. یکبار به جرم تجاوز به عنف و بار دیگر بجرم تجاوز بر یک طفل. در ممالک سرمایه داری تجاوز به عنف بازندانی شدن از 8 سال تا حبس ابد و اعدام (در امریکا و چین) مجازات میشود. و تجاوز بر اطفال با مجازات حداقل 8 سال زندانی و حبس ابد مجازات میشود. در ممالک بورژوا-دموکراتیک اروپائی مانند بلجیم، هالند، ناروی، سویدن، دنمارک و اطریش پیدوفیل ها بعد از سپری کردن دوران مجازات زندان به مشکل میتوانند در آنکشور جایی ایرا پیدا کنند که در آن بتوانند زندگی نمایند. اما در مملکتی مانند افغانستان اینگونه جنایتکاران فقط با یک "توبه" و "چند دره مفتی و محتسب" منزه و مطهر اعلام میشوند. با این فاکت ها تفاوت بین قوانین دین یا شرع را با قوانین بورژوا-دموکراتیک مقایسه کنید. به اینصورت میتوان به وضاحت دید که هر قدر جامعه دینی و عقمانده است به همان مقایسه احساسات ضد کمونیستی در آن حاکم میباشد.

در جامعه سوسیالیستی با تمام ابعاد غیر انسانی آداب، اخلاق و برخوردهای افراد که در طرز دید جامعه کهن ریشه دارند بطور آگاهانه هم از نظر ذهنی و هم از نظر عینی مبارزه میشود. تجاوز به عنف که بخش از در قید بودن مناسبات جنسی در جامعه کهن منشا میگیرد با حل سالم و انسانی مناسبات جنسی از بین میرود. یک قسمت آن که "مریضی ناشی از اختلال روانی" است تا حد امکان کوشش میشود از طریق معالجه و طبابت حل شود (این قسمت در هیچ جامعه ای طی چند صد سال آینده بطور مطلق قابل حل نیست. اما میتوان پیش بینی کرد که با شناخت بیشتری. ان. آ. و معالجات

امراض در جنین میتوان در آینده هالین بخش رانیز نابود کرد). اما مناسبات جنسی و مریضی روانی با هم فرق دارند. نباید تجاوز به عنف و تجاوز بر اطفال را بحساب "مناسبات ناسالم جنسی" آورد. این همانند فحاشی و هرزگی در سیاست منبع و منشأ بینشی و ایدئولوژیک دارند. مناسبات گوناگون (مناسبات جنسی هیتر و (مردبازن) و هومو (مردبامردوزن با زن) (باحل مناسبات مالکیت و توزیع در جامعه حل میشوند. از جانب دیگر وقتی مناسبات تولیدی (مناسبات تولید و مالکیت) انسانی شدند، فرهنگ، بر خوردها و آداب اجتماعی افراد نیز انسانی میشوند و احترام انسان به انسان از شکل تعارفات سطحی بیرون آمده و محتوا و مضمون مادی - انسانی پیدا میکنند. بطور مثال: در جامعه سوسیالیستی اطفال در حمایت کامل دولت طبقه کارگر قرار داشته و طبقه کارگر مسئولیت تعلیم و تربیه آنها بر عهده دارند و والدین و مسجد و کلیسا. در این جامعه تنها جنایتکاران سیاسی بلکه مجرمین اخلاقی و فرهنگی نیز با طبقه کارگر و به رواند نه با طبقات فاسد و رشوت خوار ارتجاعی که در ازای رشوت بر تمام جنایات پرده استتار می افکنند. در اینجا تمام مجرمین خود را در مقابل سیر حرکت تاریخی پیشروترین طبقه که برای نجات خود و تمام بشریت و حتی طبیعت میرزمد، درمی یابند. این طوفان هستی آفرین جنایت و جنایتکار را که در راه رسیدن بکمونیزم مانع ایجاد میکنند، بدون هیچگونه درنگ و تاملی نابود میسازد. در اینجا عملادیده میشود که ملا و مولوی دیگر شانس خیلی کم دارند تا با اطفال در تماس بیایند. ممکن است در اینجا یک معلم به عین جنایت دست بزند که ملای امام قندوز دست زده است ولی این دومسئله از یکدیگر فرق میکنند. و معلم از نظر ایدئولوژی بورژوا است نه فنودال. تجاوز او بر یک طفل بیشتر منشأ مریضی روانی دارد تا منشأ ایدئولوژیک.

تجاوز ملای مسجد در ولایت قندوز بی رابطه با محیط و اوضاع سیاسی افغانستان نیست. این جنایت در بطن یک اوضاعی که بر جنایت و فساد بنا یافته انجام میگردد. جنایت و فساد و بخصوص "بچه بازی مجاهدین و طالبان" تاریخ طولانی و تاریک دارد. در جامعه ای که تجاوز بر زنان "قانونی باشد" (قانون احوال شخصیه اهل تشیع)، در جامعه ای که وقتی زن مورد تجاوز قرار میگیرد دوبه حکومت بخاطر دادخواهی مراجعه میکند و بجای دادرسی از جانب حکومت بزندان انداخته میشود، یک مورد تجاوز بر اطفال و زنان علیرغم آنکه برای وجدان های شریف بی نهایت تکان دهنده است، در کل یک مسئله چندان تکان دهنده بنظر نمیرسد. ملای امام قندوز نیز در بطن آن تاریخ و این جامعه آموزش و پرورش یافته و زندگی میکند. او پیش روی خود می بیند که سربازان امریکائی و انگلیسی هر روز به چندین دختر و پسر افغانستانی تجاوز میکنند و مجازات نمیشوند. او می شنود که صدها هزاران زندانی

افغانستانی در بگرام، واشیر (کمپ باستیون) و جاهای دیگر مورد تجاوز جنسی قرار میگیرند و هیچکسی از آن حرفی نمیزند، او نیز آهسته آهسته سهمگینی و وحشتناکی این جنایت را در ذهنش سبک درمی یابد. او وقتی مشاهده میکند که زنانی که مورد تجاوز قرار گرفته و اطفالی که سهمگینی و توحش ضد انسانی یک تجاوز زندگی شان را برای همیشه تغییر داده است از ترس زندانی شدن، بی آبرو گشتن در جامعه و هراس از ناشناخته شده ها... غیره لب فرو می بندند و حرف نمی زنند، او نیز جرائم می یابد و بر شاگردش تجاوز میکند. او وقتی می بیند که اینگونه جنایات فقط بعضی اوقات در رسانه ها منعکس میشوند (یک مثال) صدها هزاران زن بخاطر کمک به ادارات دولتی پناه میبرند و مامورین دولتی بر آنها تجاوز میکنند. (یک نمونه) او نیز با خود میگوید "با دیگران چه کردند که با من بکنند؟".

به اینقسم ای انسان دردمند و بیچاره که روزتا شام عرق میریزی و کار میکنی تا زن و فرزندت را با آبرو و عزت نگه داری و طفل ات را در مسجد می فرستی و فکر میکنی که نماینده آسمان در زمین و مبلغ دین او را عرض نمیگیرد. تو که می بینی که این ملاها، مولوی ها، طالبان و چلی ها در سایه توپ و طیاره سربازان امریکائی و 50 کشور دیگر حتی طفل ترا در مسجد هم آرام نمیگذارند، باید بخود بیایی و کمرت را برای سرنگونی این نظام ضد انسانی و جنایتکار ببندی. بدون دفاع از کل اطفال که آینده تمام ماست اطفال یک فرد بمشکل من باقی میماند. ما فکر میکنیم که بدون انقلاب ممکن نیست این جنایات را نابود کرد و بدون آنکه برای افغانستان مستقل و افغانستانی های سر بلند، با عزت و گردن فراز کار کرد، امکان ندارد که طفل یک خانواده سر بلند و با عزت باشد. انقلاب و سرنگونی رژیم فاسد و مزدور و تاسیس جمهوری دموکراتیک نوین افغانستان یگانه راه بیرون رفت از تمام این مشکلات است.

س. آتش

14 ثور 1393 کابل